



5491

۳۵۰

۱

۲۹۲

سجای

فلسفه تحلیلی تاریخ

مانی فلسفی دانش تاریخی

دکتر سعید موسوی سیانی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۸

موسوی سیانی، سعید، ۱۳۶۹.

فلسفه تحلیلی تاریخ: مبانی فلسفی دانش تاریخی / سعید موسوی سیانی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.

هشت، ۲۹۲ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۵۰۸: تاریخ اسلام: ۱۱۶)

ISBN: 978-600-298-267-4

بها: ۳۶۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه، ص. [۲۶۳] - ۲۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. تاریخ نویسی -- فلسفه. ۲. Historiography -- Philosophy. ۳. تاریخ -- فلسفه. ۴. History -- Philosophy.

الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۹۰۱

D۱۶/۸

۵۷۵۰۹۰۶

شماره کتابشناسی ملی



فلسفه تحلیلی تاریخ: مبانی فلسفی دانش تاریخی

مؤلف: دکتر سعید موسوی سیانی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرای: اعتصام

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم- سبحان

قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۶۴۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره» بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۰۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع اصلی درس فلسفه تاریخ برای دانشجویان رشته‌های تاریخ اسلام، تاریخ ایران اسلامی، تاریخ ایران باستان، تاریخ تشیع در مقطع کارشناسی ارشد فراهم آمده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، دکتر سعید موسوی سیانی و نیز از ناظران محترم آقایان دکتر جواد مرشدلو و دکتر زهیر صیامیان گرجی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

۱	 مقدمه
	بخش یکم: مسئله شناخت تاریخی
۷	 مقدمه
۱۱	فصل اول: تحلیل فلسفی مسئله شناخت تاریخی
۱۳	 چالش‌های شکاکانه در مورد دانش تاریخی
۱۴	 چالش‌های هستی‌شناسانه
۲۰	 چالش‌های معرفت‌شناسانه
۲۶	 چالش‌های روش‌شناسانه
۳۵	فصل دوم: تاریخ مسئله شناخت تاریخی
۳۷	 صورت‌بندی مسئله شناخت تاریخی در یونان باستان
۴۰	 صورت‌بندی مسئله شناخت تاریخی در عصر خرد علمی
۴۵	 صورت‌بندی مسئله شناخت تاریخی در عصر رمانتیسم
۴۹	 صورت‌بندی مسئله شناخت تاریخی در وضعیت پست‌مدرنیته
۵۳	فصل سوم: پاسخ‌های فیلسوفان به مسئله شناخت تاریخی
۵۵	 ارسطو
۵۶	 رنه دکارت
۵۸	 جامباتیستا ویکو
۶۱	 یوهان گوتفريد هرder
۶۳	 ویلهلم ون هومبولت
۶۴	 لئوپولد فون رانکه
۶۵	 یوهان گوستاو درویزن
۶۷	 ویلهلم دیلتای
۷۰	 ویلهلم ویندلباند

۷۱	هاینریش جان ریکرت
۷۲	فرانسیس هربرت برادلی
۷۳	گئورگ زیمل
۷۵	بندتوکروچه
۷۷	راین جورج کالینگوود
۷۹	مایکل اوکشات
۸۰	رودولف کارل بولتمان
۸۱	کارل ریموند پوپر
۸۲	کارل گوستاو همپل
۸۴	هانس گئورگ گادامر
۸۶	و. ب. گالی
۸۷	آرور سی. دانتو
۸۸	رولان بارت
۹۰	هاینریش وایت
۹۲	پال وین
۹۳	فردریک الکسمن
۹۴	دیوید کار
۹۶	کیت جنکینز
۹۹	فصل چهارم: رهیافتی در حل مسئله شناخت تاریخی
۱۰۱	پاسخ جزءگرایانه به مسئله معیار؛ روشی در گسستن از شکاکیت فراگیر
۱۰۷	بافت‌گرایی معناشناسانه: روشی در حل مسئله شناخت تاریخی
۱۱۹	طرحی برای فصول آینده

بخش دوم: معرفت‌شناسی

۱۲۳	مقدمه
۱۲۷	فصل اول: باور
۱۲۸	نظریه‌های معطوف به متعلق باور
۱۲۹	نظریه‌های معطوف به رفتار باورنده
۱۳۰	نظریه‌های حذف‌انگازانه
۱۳۳	فصل دوم: صدق
۱۳۴	نظریه مطابقت صدق
۱۳۶	نظریه انسجامی صدق
۱۳۸	نظریه پراگماتیستی صدق
۱۳۹	نظریه تورم‌زدایی صدق
۱۴۱	فصل سوم: نظریه‌های توجیه

۱۴۲	توجیه استنتاجی و مسئله تسلسل
۱۴۳	میناگرایی
۱۴۷	بی کران انگاری معرفتی
۱۴۸	بافت گرایی معرفتی
۱۴۹	انسجام گرایی معرفتی
۱۵۳	فصل چهارم: منابع توجیه معرفت
۱۵۴	ادراک حسی
۱۵۷	حافظه
۱۵۹	درون نگری
۱۶۰	عقل
۱۶۲	گواهی

بخش سوم: منطق تفکر تاریخی

۱۶۷	مقدمه
۱۷۱	فصل اول: نقش دانش پیشینی در ساخت واقعیت تاریخی
۱۷۳	صورت بندی شواهد تاریخی
۱۷۷	صورت بندی واقعیت های تاریخی
۱۹۱	فصل دوم: نقش دانش پیشینی در تعیین ساختار و محتوای تبیین تاریخی
۱۹۳	هستی شناسی اتمیستی؛ تعیین مدل نهایی تبیین تاریخی
۱۹۷	هستی شناسی کل گرایانه؛ تعیین مدل قیاسی قانون ساختاری تبیین تاریخی
۲۰۳	هستی شناسی ساخت مندگرا؛ تعیین مدل روایی تبیین تاریخی

بخش چهارم: امکان شناخت تاریخی

۲۱۱	مقدمه
۲۱۵	فصل اول: اعتبارسنجی دانش تاریخی در پرتو نظریه های کلاسیک شناخت
۲۱۶	امتناع «شناخت تاریخی همچون آشنایی مستقیم با گذشته»
۲۲۱	نابسنده گی میناگرایی در دفاع از امکان شناخت تاریخی
۲۲۵	نابسنده گی انسجام گرایی در دفاع از بین الاذهانیت شناخت تاریخی
۲۳۱	فصل دوم: کار بست بافت گرایی در حل مسئله شناخت تاریخی
۲۳۳	کار بست بافت گرایی معنا شناسانه در دفاع از امکان شناخت تاریخی
۲۴۱	نابسنده گی «استنتاج بهترین تبیین» در حل مسئله شناخت تاریخی
۲۴۵	کار بست بافت گرایی معرفتی در حل مسئله شناخت تاریخی
۲۵۲	جمع بندی

پیوست (واژه‌نامه فنی) ۲۵۵

منابع

منابع فارسی ۲۶۳

منابع لاتین ۲۷۱

نمایه‌ها

نمایه اشخاص ۲۷۵

نمایه اصطلاحات ۲۷۸

مقدمه

کاربران اندیشه‌ورز جهان چندفرهنگی امروز بخشی از انتظارات حاکم بر کلیدی‌ترین نقش‌های اجتماعی را در هم انطباقی با الگ‌های رفتاری مطلوب در سنت‌های تاریخی تعریف می‌کنند. سنت‌هایی که دسترسی بدان تنها از دریچه گزارش‌های تاریخی امکان‌پذیر است. با عطف نظر بدین امر مهم، اگر استناد به گزارش‌های تاریخی را مهم‌ترین ابزار جهان چندفرهنگی امروز در توجیه ارزش‌ها، هنجارها و کردارهای فرهنگی معرفی کنیم، چندان راه مبالغه نپیموده‌ایم؛ چنان‌که کاربران گفتمان‌های سنت‌گرا، بنیادگرا و روشنفکری ایران نیز کشاکش گفتمانی خود حول محور خوانش صحیح میراث دینی را با استناد به گزارش‌های تاریخی از سنت توجیه می‌کنند. این کارکرد روایت‌های تاریخی در صورت‌بندی فضای گفتمانی جهان چندفرهنگی امروز است که به اعتبارسنجی دانش تاریخی اهمیت فزاینده‌ای می‌بخشد؛ اعتبارسنجی معرفتی‌ای که نقشی بی‌بدیل در قدم نهادن به عرصه عقلانیت و ایجاد تعامل معرفتی میان گفتمان‌های رقیب ایفا می‌کند. نگارنده با عنایت به این نقش است که پرسش از امکان و چگونگی شناخت تاریخی را در دستور کار کتاب پیش رو قرار داده است.

در این میان نکته‌ای وجود دارد که نایست از آن غافل شد؛ و آن اینکه هرگونه اعتبارسنجی دانش تاریخی مستلزم برآورده ساختن دو مؤلفه است. مؤلفه نخست معیارها و مفاهیم فلسفی است که به‌ناچار در هر ارزیابی معرفتی از دانش تاریخی به کار می‌رود. مؤلفه دوم نیز توصیف درجه دوم و انتقادی از منطق تفکر تاریخی و سازوکار تولید و توجیه گزارش‌های تاریخی است. دانش تاریخی هم‌اکنون برحسب امکانات بومی‌اش توان برآورده ساختن این مؤلفه‌ها را ندارد؛ چراکه عمده توجه مورخان متمرکز بر بازسازی واقعیت‌های تاریخی بوده است و آنان چندان اعتبارسنجی دعاوی معرفتی خود را محل بحث قرار نداده‌اند. از سوی دیگر پرسش از امکان

شناخت تاریخی ذاتاً پرسشی فلسفی است که بایست برحسب مفاهیم و استدلال‌های فلسفی پاسخی برای آن یافت. البته دانش تاریخی تنها معرفت درجه اولی نیست که فاقد چنین امکانی است، بلکه سایر معارف درجه اول نیز فاقد ابزارهای مفهومی درخور، جهت پاسخ به پرسش از امکان یا اعتبار معرفتی خویش‌اند؛ چنان‌که دانشمندان و ریاضی‌دانان نمی‌توانند با اکتفا به مفاهیم و روش‌های علوم طبیعی و ریاضیات به اعتبارسنجی مبانی اعتبار دعاوی معرفتی خود پردازند.

با عطف نظر بدین امر مهم است که دسته‌ای از فیلسوفان تلاش خود را بر بررسی امکان شناخت و مبانی اعتبار معارف درجه اول متمرکز کرده‌اند. معرفت‌شناسی به‌طور عام و فلسفه‌های مضاف به‌طور خاص تجلی این تلاش در اثبات مبانی اعتبار معارف درجه اول است. فلسفه تحلیلی تاریخ یکی از این فلسفه‌های مضاف است که درصدد پاسخ به پرسش از امکان و پی‌گویی دانش تاریخی برآمده است؛ پرسشی که مسئله محوری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. روش فیلسوفان تحلیلی تاریخ در پاسخ بدین پرسش تحلیل فلسفی روش‌ها، مفاهیم، منابع و پیش‌فرض‌های دانش تاریخی است. تنها به‌واسطه چنین بررسی درجه دوم منطقی تفکر تاریخی است که می‌توان پی به امکان یا امتناع دانش تاریخی برد و پرده از مبانی اعتبار آن برگرفت.

متأسفانه در فضای اندیشگی ایران چنین تحلیل فلسفی از مبانی اعتبار دانش تاریخی چندان محل توجه قرار نگرفته است. آثار انگشت‌شماری نیز که تاکنون انتشار یافته، یا ترجمه تألیفات اندیشه‌وران غربی است یا آنکه بدون توجه به مفاهیم و رهیافت‌های فلسفی تألیف شده‌اند و دچار فقر مفهومی‌اند. از سوی دیگر غالب این آثار توجیهی به ماهیت بازتابنده دانش تاریخی و نقش گزارش‌های تاریخی از سنت در برساخت هویت اسلامی کارکنان تاریخی نداشته‌اند. کشاکش گفتمان‌های سنت‌گرا، بنیادگرا و اصلاح‌طلب بر سر خراش مسیح میراث اندیشگی اسلام نمود بارزی از بازتابندگی دانش تاریخی در مفصل‌بندی هویت گفتمانی ایشان است؛ اما کاربران اندیشه‌ورز گفتمان‌های مزبور چندان توجهی به بررسی مبانی اعتبار روایت‌های تاریخی خود از سنت اسلامی نداشته‌اند. نگارنده بر آن است که بدون توسل به نقد عقل تاریخی نمی‌توان این کشاکش گفتمانی را به تفاهمی خودآگاهانه و نقدی مستدل بدل کرد. تلاش برای گذر از این شرایط دشوار اندیشگی بود که نگارنده را به نگارش کتاب فلسفه تحلیلی تاریخ؛ مبانی فلسفی دانش تاریخی برانگیخت.

موضوع محوری این کتاب همچون سایر تألیفات در فلسفه تحلیلی تاریخ، پاسخ به پرسش

از امکان یا امتناع دانش تاریخی است. پاسخ غالب بدین پرسش حکم به امتناع دانش تاریخی بوده است. این تأکید بر امتناع دانش تاریخی موجد ناسازه‌ای در نظام باورهایمان می‌شود؛ زیرا از یک‌سوی گزارش‌های تاریخی را فاقد ارزش معرفتی می‌انگاریم و از سوی دیگر شاهد کاربست گزارش‌های تاریخی در صورت‌بندی کلان روایت‌های جوامع سنت‌محور و تعیین کردارهای فرهنگی این جوامعیم. چنین تأکیدی بر امتناع دانش تاریخی، آن هم در شرایطی که ناگزیر از استناد به روایت‌های تاریخی در توجیه کردارهای فرهنگی خود هستیم، موجب صورت‌بندی مسئله شناخت تاریخی شده است. با عنایت به این شرایط بود که نگارنده درصدد دفاع از امکان دانش تاریخی برآمد.

باید توجه کرد که هرگونه دفاع از امکان شناخت تاریخی مستلزم آسیب‌شناسی فلسفی مسئله شناخت تاریخی است. تنها پس از بازاندیشی مسئله شناخت تاریخی است که می‌توان رهیافتی درخور در دفاع از امکان دانش تاریخی برگزید. از این‌روی بخش نخست کتاب بدین مسئله مهم اختصاص داده شد. بر این اساس در فصل اول به تحلیل فلسفی دانش تاریخی می‌پردازیم. کارکرد این فصل بازشناسی ساختار معیوب و مفروضات فلسفی آسیب‌زایی است که موجبات صورت‌بندی مسئله شناخت تاریخی را فراهم آورده است. فصل دوم به بررسی در زمانی و تاریخی مسئله شناخت تاریخی اختصاص داده شده است. در این فصل، با تحلیل نسبت نظریه‌های مسلط شناخت و پاسخ‌ها به پرسش از امکان دانش تاریخی، پرده از تاریخت مسئله شناخت تاریخی برمی‌گیریم. فصل سوم نیز پاسخ فیلسوفان تاریخ به پرسش از امکان یا امتناع دانش تاریخی را بررسی می‌کند. کارکرد این فصل تعمیق آسیب‌شناسی ما از ساختار و محتوای دانش تاریخی است. با عنایت به نتایج این آسیب‌شناسی مسئله شناخت تاریخی است که در فصل چهارم بافت‌گرایی را همچون رهیافتی فرامعرفت‌شناسانه در دفاع از امکان دانش تاریخی برگزیدیم.

بر اساس بافت‌گرایی نباید در پاسخ به پرسش از امکان دانش تاریخی صرفاً به همسنجی معیارهای معرفتی و منطق تفکر تاریخی اکتفا کرد، بلکه باید از کاربست معیارهای مزبور در مسئله - زمینه دانش تاریخی نیز اطمینان یافت؛ زیرا اگر نظریه‌های مسلط شناخت نه ذاتی کنش معرفتی انسان، بلکه برآمده از علم مسلط در هر برهه تاریخی باشد، همسنجی منطق تفکر تاریخی با این نظریه‌ها نتیجه‌ای جز تحمیل معیارهای سایر زمینه‌های معرفتی به زمینه معرفتی دانش تاریخی در بر نخواهد داشت. همین تحمیل معیارهای معرفتی برآمده از نظریه‌های مسلط شناخت است که امکان دانش تاریخی را به زیر سایه تردیدهای شکاکانه فروبرده است.

با عنایت به این رهیافت و نتایج آسیب‌شناسی مسئله شناخت تاریخی است که بخش دوم کتاب را به ایضاح مفاهیم و نظریه‌های معرفت‌شناختی و بخش سوم را به ترسیم منطق تفکر تاریخی اختصاص داده‌ایم. در بخش دوم به ارائه یک تعریف معیار از معرفت و مؤلفه‌های آن اکتفا نخواهیم کرد، بلکه نظریه‌های بدیل در مورد هریک از مؤلفه‌های معرفتی را تشریح می‌کنیم. چهار فصل این بخش از کتاب نه تنها تصور ما از معرفت و مؤلفه‌های معرفتی را ایضاح می‌کند، بلکه امکانات مفهومی لازم برای اعتبارسنجی دانش تاریخی را در اختیارمان می‌نهد. با ترسیم منطق تفکر تاریخی در بخش سوم نیز دیگر شرط لازم برای پاسخ به پرسش از امکان دانش تاریخی برآورده می‌شود. در این بخش، ضمن ترسیم منطق تفکر تاریخی، پرده از نقش باورداشت‌های پیشینی مورخان در تمامی مراحل تولید و توجیه روایت‌های تاریخی برمی‌گیریم. بدین ترتیب و پسین گام در بررسی مبانی اعتبار دانش تاریخی را می‌پیماییم. با پاسخ به پرسش از امکان و جگونگی دانش تاریخی در بخش چهارم، گام نهایی نیز پیموده خواهد شد. پاسخی که از طریق همسنجی منطق تفکر تاریخی با مؤلفه‌های برشمرده‌شده برای معرفت ارائه خواهد شد. بدین ترتیب در فصل اول، همسنجی منطق تفکر تاریخی با نظریه‌های کلاسیک معرفت و توجه در دستور کار قرار می‌گیرد و پرده از نابسندگی این نظریه‌ها در دفاع از امکان شناخت تاریخی برگرفته می‌شود. در نهایت در فصل پایانی کتاب، منطق تفکر تاریخی را از چشم‌اندازی بافت‌گرایانه بررسی می‌کنیم و به دفاع از امکان شناخت تاریخی می‌پردازیم.

شایسته است در اینجا از نظرات ارزشمند ناظران علمی کتاب، دکتر جواد مرشدلو و دکتر زهیر صیامیان گرجی، تشکر کنم. این کتاب مرهون رهنمودهای علمی‌ای است که نگارنده طی دوران تحصیل و تحقیق خود از این دو دوست و استاد عزیز گرفته است. همچنین لازم می‌دانم از همکاری صمیمانه حجت‌الاسلام والمسلمین آقای رمضان محمدی مدیر محترم گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و جناب آقای اسماعیل یارمحمدی کارشناس گروه تاریخ پژوهشگاه، به کمال سپاسگزاری کنم. باید خاطر نشان کنم که در نگارش فصل اول بخش نخست و فصل اول بخش سوم کتاب، از مقاله‌هایی که پیشتر تحت عنوان «مسئله شناخت تاریخی» و «مورخان روایت‌های تاریخی را کشف می‌کنند یا برمی‌سازند» منتشر کرده‌ام، استفاده شده است؛ از این روی مراتب سپاسگزاری خود از فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی و فصلنامه تاریخ اسلام اعلام می‌کنم.